



طراحی و تدوین مدلی کمی برای توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران

سعید تیموری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۸

چکیده

امروزه، فرهنگ شهروندی به عنوان مؤلفه‌ی کلیدی توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است از سویی تحقق مفهوم و شکل‌گیری ایده شهروندی، نیازمند وجود بستری مناسب و زمینه‌ساز می‌باشد که از آن به عنوان جامعه مدنی یاد می‌شود. در این پژوهش به منظور ارائه مدل توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران، با استفاده از تحلیل محتوای استقرایی؛ با شناسایی ۷۸۷ کد مفهوم، کدگذاری و دسته‌بندی آنها در سه مرحله نهایتاً ۱۷۳ شاخص اصلی؛ در شش بعد و ۲۳ مولفه، تبیین و در ادامه با استفاده از تکنیک دلفی سه مرحله‌ای در بین ۳۲ نفر از خبرگان علمی و اجرایی، این شاخص‌ها مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. نهایتاً مدلی کمی برای توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران در شش بعد مفهوم فرهنگ و شهروندی، مدیریت شهری و شهرداری، تربیت و آموزش شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی، ارائه شد.

در مرحله دوم تحقیق، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد و پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری (نظیر فراوانی، درصد و میانگین) و سطح استنباطی (آزمون لوین، آزمون تی تست)، تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از Spss 22 و Lisrel 8.54 صورت گرفت. معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده ابعاد سطوح فرهنگ و شهروندی، مدیریت شهری و شهرداری، تربیت و آموزش شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی نشان داد که تمامی ضرایب بدست آمده، معنادار می‌باشند. یافته‌های حاصل از تحلیل ابعاد بیانگر آن بود که از بین ابعاد اخلاق شهروندی با میانگین (۰/۹۱) و حقوق شهروندی با میانگین (۰/۸۶) کمترین تاثیر را در توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران را داشته و پاسخ دهندگان با وضعیت موجود مولفه‌های دیگر در سوالات مذکور رضایت ندارند و نظرات منفی دارند و همه‌ی مولفه‌ها در امر توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران از قابلیت بهبود بالایی برخوردار می‌باشند.

کلید واژه‌ها: فرهنگ و شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی

^۱ دانش‌آموخته دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه در کشورهای بزرگ جهان بخش عظیمی از تحقیقات و منابع مصروف کشف این حقیقت می‌شود که شهروند مطلوب باید دارای چه خصوصیتی باشد و چگونه می‌توان این ویژگی‌ها را در اقشار مختلف جامعه توسعه داد. در مطالعه‌ای که با مشارکت بیش از بیست کشور جهان تحت عنوان «مطالعات شهروندی» انجام گرفته است. اهمیت تخصیص موارد فوق آشکار می‌شود و این در حالی است که متأسفانه اکنون توجه چندانی به آموزش بنیادین شهروند خوب نمی‌شود. در این راستا ابتدا باید به تعریفی در باب شهروندی و ملاک‌های شهروند خوب بودن پرداخت. شهروندی مفهومی چند بعدی و دارای معانی مختلف است که این اختلاف از تفاوت فلسفه‌های حاکم بر هر جامعه و ارزش‌های آن نشأت می‌گیرد. اما فاکتوری که بیشتر مورد توجه جامعه شناسان است انطباق تعریف شهر با شهروند است. نتایج مطالعات نشان داده که مفهوم شهروندی حداقل شامل چهار عنصر اصلی «هویت ملی، تعلقات اجتماعی و فرهنگی و فراملیتی، نظام اثربخشی حقوقی و مشارکت مدنی و سیاسی است» (خطیب زنجانی، ۱۳۸۵).

در جهان امروز به منظور سازگاری با محیط متحول، جوامع نیازمند توجه به رشد، بالندگی و بهسازی اجتماع خود می‌باشند. و یکی از مولفه‌های مورد توجه آن، فرهنگ می‌باشد. فرهنگ به عنوان مجموعه باورها، نگرش‌ها و اعتقادهای قلبی یک گروه و جامعه‌ی تشکیل دهنده شیوه زندگی آنهاست. زمانی که شیوه زندگی جامعه بر مبنای فرهنگ قوی علمی و توسعه یافته قرار گرفت، به راحتی می‌توان بنیادهای توسعه پایدار را بر آن استوار ساخت. (کردی و ابراهیمی سلطان آبادی، ۱۳۹۴)

فرهنگ وظایف متعددی از جمله: نحوه‌ی مقابله با مشکلات، حل مسائل آینده، سازمان‌دهی امور افراد و گروه‌های اجتماعی در سطوح متعدد را مشخص می-

کند. بدین لحاظ، فرهنگ شیوه‌های چگونگی سازمان-دهی زندگی، نظم و پیش‌بینی امور را برای افراد و گروه‌ها ارائه می‌دهد. مثلاً همه‌ی افراد انسانی در اولین سطح از زندگی به تهیه‌ی غذا، مسکن، پوشاک و برای تربیت خود و فرزندان خود نیز به مراکز آموزشی نیازمندند. توانایی انجام این امور از طریق فرهنگ ممکن می‌شود؛ زیرا فرهنگ، تولید و دستاورد انسانی است و البته در جریان تحولات اجتماعی هم دچار تغییر و تحول شده و عامل و بستر تغییرات اجتماعی نیز است. فرهنگ، توسعه خواه است. فرهنگ در جوهر و سرشت خویش، خواهان تبادل، ترکیب، ارتباط و انتقال است. امتزاج، رشد و تعالی از خصوصیات اصلی فرهنگ به شمار می‌روند (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱).

همان‌طور که ذکر شد، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بایدها، نبایدها، مفروضات، هنجارها، آداب و رسوم، سنن، مراسم، تشریفات، علائم، نمادها و رفتارها می‌باشد که به شیوه‌ی زندگی افراد که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد بر می‌گردد. جامعه را باید از گروهی از انسان‌ها متشکل دانست که در طول هزاران سال با یکدیگر زندگی کرده‌اند و در سرزمینی معین سکنی گزیده‌اند. سرانجام آن‌که این گروه خود را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه‌های دیگر سازمان داده است. اعضای این جامعه هم‌چنین فرهنگ مشترکی دارند. از این جاست که می‌توان گفت، فرهنگ جدای از جامعه یا جامعه جدای از فرهنگ نیست. هرگاه جامعه به وجود آید، فرهنگ هم‌خوان با آن هم به وجود می‌آید. بنابراین، فرهنگ می‌تواند به عنوان راه‌حل مشکلات انباشته شده در طی زمان نیز تلقی گردد. فرهنگ نه تنها راه‌حلی را برای مشکلات عملی به دست می‌دهد، بلکه مشکلات انتزاعی را هم حل می‌کند. لذا، فرهنگ به عنوان اصلی‌ترین حوزه‌ی اجتماع، نشان‌گر شکل و ماهیت حرکت جامعه بوده و هم بیان‌گر ارزش و اقتدار یک جامعه است. به بیان

که گروهی در طول حیاتش می‌آموزد، فرهنگ محصول موفقیت است (ولیکانی و کریم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

پارسونز^۲ در قالب دیدگاه کارکردگرایی ساختاری، فرهنگ را نظام‌های الگو شده یا سامان‌یافته از نمادها که تحت جهت‌گیری‌های کنش و اجزا درونی‌شده شخصیت افراد و الگوهای نهادی شده‌ی نظام اجتماعی درآید؛ تعریف می‌کند و توجه خاصی به نقش مذهب و مقدسات در درون یک نظام فرهنگی دارد (تاجدوزیان و نوروززاده، ۱۳۹۰: ۱۷).

تیلور^۳ (۲۰۱۰) در تعریف انسان‌شناختی خود، فرهنگ را مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها قلمداد می‌کند که بر اثر تجربه و مرور زمان در یک جامعه‌ی خاص و در سرزمینی معین به وجود می‌آید و مردم با استفاده از آن، رفتارهای گوناگون خود را شکل داده و یا به مرحله‌ی اجرا در می‌آورند. از این‌رو شامل: معارف، اعتقادات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمام توانایی‌ها و عاداتی است که بشر به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند (تیلور، ۲۰۱۰: ۱۱۸).

امروزه زندگی شهری نیازمند قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود است و هرگونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهر نشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران، تنش‌ها، خشونت‌ها، و ناملایمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن خواهد زد. قوانین مربوط به شهر نشینی امروزه در قالب فرهنگ شهروندی تداعی می‌شود، اما باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر معادل واژه شهروند نیست، بلکه شهروند باید در مدیریت بهینه شهر ایفای نقش کند؛ چرا که فرهنگ شهروندی بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت فرد مهیا می‌کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود بسوی تعالی بدست گیرد. بنابراین می‌توان گفت کارکرد اصلی فرهنگ شهروندی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به منظور حفظ

دقیق‌تر، آنچه سازنده‌ی ذهنیت فردی و جمعی و شکل‌دهنده‌ی رفتارها و کنش‌های اجتماعی می‌شود و ارزش‌ها و هنجارهای فرد و جامعه را شکل می‌دهد و در قالب رفتار آحاد جامعه تبلور می‌یابد، فرهنگ است (اردلان و همکاران، ۱۳۹۵).

فرهنگ با زندگی شهری بالیده و راه تکاملی پیموده است. شهر واقعی، فارغ از زمان و مکان، بدون فرهنگ بی معناست. فرهنگ شهری پدیده‌ی هزار تو و کهنسال است که هر روز نو می‌شود. فرهنگ شهری همراه دگر گونی‌های شگرف سده بیستم، چنان دگرگون شده است که با تحولات این مفهوم در گستره تاریخ آن برابری می‌کند. همه عناصر شهری بطور مستقیم و غیر مستقیم از فرهنگ متأثر می‌شوند و در مواردی نیز بر آن اثر می‌گذارند. اگر به تعریف واحدی از مفهوم فرهنگ برسیم، در این صورت می‌توانیم تعریف بهتری از فرهنگ شهر وند داشته باشیم. امروزه توافق و اجماعی در میان اندیشمندان عرصه فرهنگی در مورد فرهنگ و تعریف آن وجود ندارد.

سایپر^۱ (۱۹۴۹) از جمله نخستین اندیشمندی بود که فرهنگ را یک نظام ارتباط میان فردی تلقی می‌نمود. از دیدگاه وی، فرهنگ، مجموعه‌ای از معانی است که افراد یک گروه مشخص از طریق کنش‌های متقابل به یکدیگر منتقل می‌کنند (کوش، ۱۳۸۱: ۸۴). او بر خلاف پیروان مکتب اصالت جوهر که فرهنگ را با توجه به یک جوهر فرضی تعریف می‌کنند، بر این باور است که برای درک فرهنگ باید به تجزیه و تحلیل روندهای پردازش فرهنگ توجه داشت (پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

شاین (۱۹۹۰) اذعان داشته است: فرهنگ، الگوی فرضیات بنیادینی است که در هنگام کنار آمدن با مشکلات ناشی از ایجاد انطباق با محیط بیرونی و یا حفظ انسجام درونی، ابداع شده یا کشف می‌شوند (جان‌هینز، ۱۳۸۴: ۶۷). به زعم وی فرهنگ، مجموعه‌ای از تمام باورهای مشترک به جان پذیرفته شده است

جوامع مختلف افزون بر حکومت‌ها و دولت‌ها، از واقعیت شهر و همچنین سنت‌های دانشگاهی، هنری، فکری و روشنفکرانه هر دوره و جامعه نیز تاثیر گذار می‌پذیرد.

بازنمایی از شهر تهران در گفتمان این شهر روایت‌ها و چهره‌های متفاوت و متضادی از این شهر ارایه می‌کنند. برخی گفتمان‌ها از این شهر چهره‌ای آشفته، عقب مانده، محروم، ویرانگر، بی ثبات، سرکوب گر، ناعادلانه و تبعیض آور ارایه کرده است. برخی گفتمان‌های شهری تهران بر این باورند که کلان شهر تهران رونوشت نادرست و تقلید مضحکی از شهرهای غربی و بویژه آمریکایی است (فاضلی، ۱۳۵:۱۳۹۱)

افزون بر نحوه تلقی «از واقعیت شهر تهران» چیستی یا هستی موجود آن، در اینکه تهران چه چیزی باید باشد نیز گفتمان‌های شهری ایران اتفاق نظر و اجماعی وجود ندارد. برخی گفتمان‌ها بویژه در «رویکردهای تجدد طلب» در مدیریت شهر بر مقوله «علامت شهری» و رفع و رفع تبعیض‌های قومیتی، جنسیتی و اجتماعی تاکید میکند و وظیفه مدیریت شهری را توسعه فضاهای شهری می‌داند. و در مقابل «گفتمان‌های اصولگرا» تاکید را بر شهر معنوی و دینی قرار می‌دهند (اسماعیلی، ۱۳۹۳:۱۲۴)

واقعیت این است که مردم از شهر انتظار آرامش و محیط سالم و پاک را انتظار دارند. این امور بیشترین ابعاد فرهنگی و اجتماعی شهر ارتباط دارد تا وجود فضاهای کالبدی آن، بنابراین در مطالعه فرهنگ شهروندی در شهر تهران باید رویکرد کمیت گرا، جزء نگر، مکان محور جستجو و ارایه شود. این رویکرد باید بتواند با نگاه چندرشته‌ای، کیفی، کل گرا، جامعه گرا و فرهنگ گرا و در عین حال متناسب با تحولات و نیازهای امروزی کلانشهر تهران توأم باشد. اگر بخواهیم توسعه‌ای همه جانبه در کلان شهر تهران داشته باشیم باید ماهیت فرهنگی هر رفتاری بر دیگر شئون آن غلبه داشته باشد، امروزه بشر به اهمیت

نهادهایی است که این پایبندی به اخلاق و حقوق را برقرار و پایدار نگه دارد (فالكس، ۱۳۸۱).

فرهنگ شهروندی ناظر به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی همچون مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی شهروندان است. رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد پذیری و تعهد مدنی موثر است چرا که تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است. به عبارت دیگر سهیم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی برای منافع کشور یا بهبود جامعه، معرف تعهد مدنی و فرهنگ شهروندی است (همتی و احمدی، ۱۳۹۳)

یکی از ویژگی‌های آموزش فرهنگ شهروندی این است که شهروندان را با تاریخ و ساختار محیطی که در آن زندگی می‌کنند، آشنا کنیم. هم چنین قواعد و سلوک دموکراتیک را به شهروندان آموزش دهیم. در واقع فرهنگ به نوعی برای شهروندان ویژگی تکلیف-مدارانه به وجود می‌آورد که باید اخلاق مدنی و روحیه‌مداری بیشتری از شهروندان در جهت سازگاری با جامعه صادر گردد. تربیت شهروندی در بعد فرهنگ اشاره به حمایت قانونی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ-های موجود در یک جامعه می‌کند که باید شهروندان به پذیرش این خرده فرهنگ‌ها بپردازند و احترام متقابلی برای آن‌ها در یک جامعه قائل شوند که این مسأله در سازگاری اجتماعی و رشد اخلاقی مدنی کمک بسیاری می‌کند. بر این اساس آموزش‌هایی که به شهروندان در زمینه حقوق اشتراکی و رعایت فرهنگ اقلیت‌ها داده می‌شود، نقش بارزی در توسعه فرهنگ شهروندی دارد (فتحی و علاف‌بهبهانی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

گفتمان زندگی شهری در ایران رابطه‌ای نزدیک و ارگانیک با نظام سیاسی و ساختار قدرت دارد و بین این گفتمان با مناسبات قدرت در جامعه، پیوندی عمیق و همه جانبه برقرار است. گفتمان‌های شهری در

فرهنگ در زندگی شهری مانند فرهنگ رانندگی، فرهنگ کار، فرهنگ سازمانی و کلا انتساب فرهنگ به هر چیزی در زندگی اجتماعی و نقش فرهنگ در شکل دادن به رفتارها پی برده است (فاضلی، ۹۱)

از مهمترین مسائلی که در ارتباط با توسعه فرهنگ شهروندی می‌توان بیان کرد، شناخت فرهنگ شهروندان و وضعیت موجود در شهر است؛ وجود خرده فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و نگرش‌های متفاوت زمینه توسعه فرهنگی را قدری با مشکل مواجه می‌سازد. و این موضوع با شبیخون فرهنگی دشمنان شکل دیگری بخود گرفته است، بنابر این تغییرات فرهنگی سریع در کلان شهر تهران، تحت شعاع قرار گرفتن سبک زندگی و فاصله فرهنگی بین نسلی نموده و تظاهر اجتماعی متعددی را از خود نشان می‌دهد. پرداختن به فرهنگ شهروندی مقوله یک سویه و توسط یک دستگاه نیست و فرهنگ مردم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاثیر گذار است. دغدغه‌هایی از قبیل بحث سبک زندگی، هویت دینی و ملی، هویت انقلابی و ارزشهای دفاع مقدس، بحث تحکیم بنیان خانواده و نگاه شهروند خانواده مداریا محور آموزش‌های مبتنی بر خانواده، ایجاد جهت دهی مناسب به برنامه‌های فرهنگی و هدایت و نظم دهی در اقدامات فرهنگی ضرورت دارد. و از جمله موارد مسائل امروز تهران است.

امروزه گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری ورشد و توسعه روز افزون شهرها، همچنین انفجار جمعیت در کلان شهر تهران، ابعاد متنوعی به مسائل و مشکلات شهر داده و مدیریت شهری را به وظیفه ای دشوار تبدیل کرده است. علاوه بر موضوعاتی همچون کاهش کیفیت محیط زیست شهری، حمل و نقل، آلودگی بصری، نابسامانی در دفن زباله، کاهش کیفیت رفاه شهری، ناهنجاری‌های رفتاری شهروندان، افزایش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، یکی از عوامل مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر عوامل سازنده

هویت شهری دارد، توسعه فرهنگ شهروندی است. در واقع در حوزه فرهنگ شهروندی باید به مجموعه‌هایی از ارزش‌های اجتماعی چون «مساوات طلبی، آزادی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی شهروندان» اشاره شود که این پارامترها جزء حقوق فرهنگی شهروندان محسوب می‌گردد. از طرفی جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی آنها می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. و از سوی دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز، پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای شهروندان ایجاد می‌کند که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش حلقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره نمود. هم اکنون کلان شهر تهران مرکز اصلی ثروت‌های مادی و معنوی کشور بشمار میرود. و در صورت عدم وجود نظم و ضوابط، زور و تزویر و اجحاف بر روابط بین شهروندان حاکم شده و این موضوع سبب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی‌های فرهنگی و رشد روز افزون معضلات زندگی شهری، عدم مشارکت شهروندان و نقش پذیری در فرایند توسعه شهری از منظر اجتماعی و فرهنگی - هنری و ورزشی خواهد شد. بنابراین آنچه امروزه توسعه و بهره وری مدیریت شهری را تضمین می‌کند، توسعه فرهنگ شهروندی است که که مدیریت شهری می‌بایست این مهم را در سر لوحه برنامه‌های خود قرار دهد. (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲) در همین راستا پژوهش حاضر در پی آن است تا مدلی کمی جهت توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران ارائه نماید.

مبانی نظری

فرهنگ شهروندی

نظریه‌پردازان اجتماعی و به‌ویژه محققان مطالعات فرهنگی در توصیف فرهنگ معاصر و روند اصلی

تحول آن، مجموعه‌ای از فرآیندهایی را نام می‌برد که این فرآیندها در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در همه یا بیشتر کشورهای جهان با نسبت‌های مختلف در حال وقوع است. این فرآیندها از نظر درونی به یکدیگر وابسته و هم‌بسته بوده و محصول تحول کلیت فرهنگ معاصر هستند. همچنین می‌توان گفت: کلیت تحول فرهنگ معاصر حاصل مجموعه فرآیندهای یادشده است، از این رو درک و شناخت هر یک از ابعاد جامعه و فرهنگ معاصر از جمله مقوله مهم «شهروندی» نمی‌تواند جدا از شناخت فرآیندهای یادشده باشد. این فرآیندها پیامدهای گسترده‌ای برای انسان امروزی داشته و همچنان خواهد داشت. یکی از این پیامدها، تحول و تکامل مفهوم شهروندی از ابعاد شهروندی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شهروندی فرهنگی است (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

اولین شهرهای مستقل متکی به شهروندی یا پلیس‌ها در بین النهرین و به طور دقیق در تمدن سومر شکل گرفته و پا به عرصه حیات گذارده است (اذانی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). با نابودی این تمدن مفهوم شهروندی نیز از بین رفته و بعدها در تمدن آتن احیا شده است. با ظهور دموکراسی در دولت شهرهای یونان، شهروندی به معنای برخورداری از حقوق و وظایف و مشارکت سیاسی فعال مطرح شد (پیران، ۱۳۸۰: ۱۷). از نظر ارسطو، یک فرد زمانی شهروند قلمداد می‌شد که می‌توانست به طور چرخشی و نوبتی در حکم راندن و اطاعت کردن سهم باشد. در قرون وسطی، شهروندی دستخوش فراموشی طولانی مدتی گردید و کلیسا همچون محوری برای هدایت اخلاقی و وفاداری، جایگزین اجتماع سیاسی شد. فقط در چند شهر ایتالیا چون فلورانس و ونیز مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور عمومی رواج داشت (Faulks, 2000). اما ظهور شهرهای مستقل در پایان قرون وسطی را باید بسیار مهم انگاشت، زیرا نقش انکارناپذیری در

پیدایش و تکامل نظام سرمایه داری داشتند، به گونه‌ای که ماکس وبر (۱۹۲۷) اعتقاد داشت شهروندی فقط در مغرب زمین یافت می‌شود، زیرا فقط در غرب شهرهایی با این ویژگی‌ها به وجود آمده و تمدن‌های شرقی چون چین، هند و خاورمیانه فاقد چنین مفهومی هستند. وی بر این اعتقاد بود که مفهوم شهروندی به لحاظ تاریخی با رشد دولت شهرهای دنیای کلاسیک روم و یونان در ارتباط است که فضای عمومی را برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت. همچنین مفهوم شهر و تکامل تاریخی شهرهای مستقل در تکوین نوعی تفکر فلسفی در مورد آزادی، فردیت و مدنیت نقش حیاتی داشته است. حوزه‌های مختلف جامعه در شکل‌گیری و پایداری فرهنگ شهروندی دخالت دارند؛ به ویژه مفهومی از شهروندی که مطلوب نظر صاحب نظران است مانند شهروندی فعال و نه منفعل، شهروندی عرصه عمومی و نه خصوصی، شهروندی از پایین و نه از بالا و به عبارت دیگر، شهروند خوب و مسئول. یکی از وجوه مشترک اساسی بین مفاهیم فوق حساس بودن، مسئول بودن و متعدد بودن فرد در قبال جامعه می‌باشد.

شهروند یعنی کسی که در جامعه پایگاهی دارد و متناسب با آن حقوق و تعهداتی را دارا می‌باشد. ویژگی خاصی که پایگاه به شهروندان می‌دهد همان توانایی حرکت و پویایی در عرصه‌های مختلف جامعه است، یعنی اینکه افراد با قرار گرفتن در نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی مختلف در میان هر سه حوزه جامعه (خصوصی، عمومی و دولت) در حرکت هستند. (Vaughan, 2000, 24)، لذا وجود شهروندانی متعهد و مسئول، بسیار حایز اهمیت می‌باشد. اما تولد و پایداری یک شهروندی فعال به تنهایی و دفعی صورت نمی‌گیرد بلکه نیازمند تحولاتی هم زمان و غیر هم زمان در سه عرصه خصوصی، عمومی و عرصه دولت است. (Mintz, 2003, 11) متناسب با یک شهروند فعال در جامعه، باید دولتی با حاکمیتی خوب و هم

در بحث شهروند فرهنگی، هویت بخشی به افراد مختلف جامعه از مسائل مهم می‌باشد. در این تعبیر فرهنگ شهروندی ساخته می‌شود. در شهروند فرهنگی قدرت داشتن روایت‌های مختلف از زندگی وجود دارد و به قرائت‌های گوناگون و مختلف گروه‌های اجتماعی و فرهنگی توجه می‌شود که این امر خود به نوعی به تکثر فرهنگی در جامعه شهری کمک می‌کند (کوثری، ۱۳۹۰).

از لحاظ حقوقی، شهروندی به عضویت فرد در یک کشور یا جامعه سیاسی گفته می‌شود، اما این برداشت از شهروندی در حال حاضر نمی‌تواند به تنهایی وضعیت شهروندی را تبیین کند. آنتونی الیوت، از نظریه‌پردازان اجتماعی استدلال می‌کند که شهروندی دست‌کم با چهار مشکل زیر روبه‌روست: فردی شدن شهروندی؛ بین‌الذنهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی، ملی و محلی شهروندان؛ بازسازی و تغییر شهروندی در بسترهای مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان؛ رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه‌ای و جهانی شدن. تحقق شهروندی فرهنگی، مستلزم اجماع بر سر مجموعه‌ای از بنیان‌های فرهنگی برای شهروندی است. کالبرگ در مقاله‌ای با عنوان «بنیادهای فرهنگی شهروندی مدرن» شهروندی را به دو دوره ماقبل مدرن و مدرن تقسیم می‌کند. دوره ماقبل مدرن به زمان قرون وسطی و پیدایش شهرهای مستقل در غرب بازمی‌گردد. اما با توجه به تحولات ناشی از صنعتی شدن ابزار شهروندی مدرن شکل می‌گیرد. کالبرگ استدلال می‌کند که این شهروندی مدرن، در جهان غرب بنیان‌های فرهنگی دارد و حول محور ارزش‌های مساوات‌طلبانه، پذیرش مسئولیت مدنی فرد در برابر اعمالش، اعتماد اجتماعی و فردگرایی شکل گرفته است. این ارزش‌ها به اعتقاد کالبرگ پویا هستند و نوعی روابط پویا بین آن‌ها وجود دارد. با توجه به این نکات، شاید بتوان گفت: در جامعه کنونی ایران به دشواری می‌توان از شهروندی

چنین عرصه‌ای عمومی با سازمان‌هایی کارآ و اثر بخش وجود داشته باشد. به عبارت دیگر از لوازم و نشانه‌های ایجاد فرهنگ شهروندی وجود حاکمیت خوب، سازمان‌هایی کارآ و شهروند فعال در عرصه اجتماع می‌باشد. شهروندی ارتباط بسیار وسیعی با مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب دارد. حتی در نظر بعضی از صاحب نظران یکی از ملاک‌های مهم دموکراسی به شمار می‌رود (شیانی، ۱۳۸۱، ۱۹).

به باور روزالدو (۱۹۹۵) شهروندی فرهنگی ضمن برخورداری از حقوق مشارکت و دیگر حقوق دموکراتیک، برخوردار از «حق متفاوت بودن» است. مفهوم دیگر شهروندی فرهنگی، توجه به عامه‌ی مردم و در نظر گرفتن معنایی همه‌شمول از فرهنگ و محدود نکردن آن تنها به فرهنگ نخبگان است. این توجه به معنای عمومی و عامه‌ی فرهنگ، ناشی از رویکرد دموکراتیک غالب در سنت شهروندی است. همان‌طور که گروسبرگ^۴ (۱۹۹۲) اذعان می‌دارد: مفهوم شهروندی وابسته به سنت سیاسی است که در صد در صد درگیر کردن و بسط مشارکت افراد در شکل دادن قوانین و تصمیمات جامعه است. فقط در دوره‌های مدرن است که این مفهوم شهروندی از مردم تحصیل کرده و نخبه به هم‌ی اعضای یک ملت و عامه‌ی مردم گسترش می‌یابد. ضمن آنکه هیچ‌گونه تلاش سیاسی دموکراتیک نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن قدرت عامه به نحو مؤثری سازماندهی شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲۲-۳۲۱). در مفهوم شهروند فرهنگی، مبنای شهروند فرهنگی حق جمعی عمل بر اساس هویت و عمل بر اساس فرهنگ است. بنابراین در مفهوم شهروند فرهنگی بیش از آنکه بحث تابعیت را داشته باشیم - که در مفهوم شهروندی معنای عام جریان دارد - با بحث هویت و فرآیند شکل‌گیری و بر ساخت آن مواجه هستیم. شهروند فرهنگی کسی است که بر اساس فرهنگ و هویت خود حق حیات دارد. در واقع،

سبب مشارکت و حضور مردم کاسته می‌شود. پس به لحاظ ضرورت توسعه شهر و فرهنگ شهری و برای بهبود و رونق وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها باید برنامه‌ریزی داشت و این برنامه‌ریزی بیش از همه باید معطوف به شیوه‌های زندگی شهرنشینان و فرهنگ شهرنشینان آنان باشد. به عبارت دیگر باید قواعد درست تهیه مسکن، فعالیت‌های اقتصادی سالم، ارتباطات و حمل‌ونقل درست و بسامان و اوقات فراغت غنی‌شده را با برنامه در بین شهرنشینان ترویج داد (شیرکوند، ۱۳۹۴). شهروند فرهنگی را می‌توان نگاهی فراهستی‌شناسانه به شهروندی دانست که در آن، سیاست صدا و بازنمایی، مفهومی پذیرفته شده است و "خود" امری متکثر در نظر گرفته می‌شود. بدین معنا که هویت، مفهومی محدود، منسجم و همبسته نمی‌باشد، بلکه بینشی است که تفاوت‌های گروهی را تأیید می‌کند و بر آن تصریح می‌ورزد. در واقع، شهروند فرهنگی، گذاری از مفهوم حقوقی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی شهروندی به فرهنگی شدن شهروند می‌باشد. شهروند فرهنگی به دنبال تامین نیازهای مربوط به دربرگیری کامل در اجتماع انسانی است. از این رو شهروند فرهنگی بر افول دولت رفاه و هویت‌های طبقه‌ای و ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی و فرهنگی تاکید دارد (بایگانی و آذری، ۱۳۹۲). بنابراین در این تحقیق آموزش‌های شهروندی، تربیت شهروندی، مشارکت شهروندی و . . . از جمله مولفه‌هایی می‌باشند که در راستای ارائه مدل توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: مدل توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران کدام است؟

فرهنگی در معنایی که امروز دنیای غرب آن را تجربه می‌کند، سخن گفت. گراگس استدلال می‌کند که ایده شهروندی فرهنگی باید هم‌عرض و هم‌سو با تلاش برای تحقق دموکراسی فرهنگی فهم شود. از این منظر، تمام گروه‌های اجتماعی از جمله جوانان و فرهنگ عامه‌پسند و مصرف‌گرایان آنها باید ناگزیر پذیرفته شود (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

حال با توجه به نظریات مطرح شده از آنجا که بخش عمده مشکلات و نابسامانی‌های موجود در اداره شهر حاصل عدم توافق یا بی‌توجهی شهرنشینان به شیوه‌های عقلانی زندگی در شهر است، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که باید فرهنگ شهری را آموزش داد و این کار با مدیریت کارآمد و دقیق بر منابع فرهنگی شهر امکان‌پذیر خواهد بود. شهر نمی‌تواند شهری فرهنگی باقی بماند، مگر آنکه مدیریت شهری بر عناصر فرهنگی آن شهر مدیریت کند و آن را به یک سرمایه فرهنگی بدل سازد. بسیاری از شهرهای کشورمان دارای گونه‌ای از معماری، بناها و فضاهای بسیار تاریخی و جذاب هستند که تعدادی از آنها از سوی مدیریت شهری، کنترل، ساماندهی و نگهداری می‌شوند. بسیاری دیگر نیز نه تنها محافظت نمی‌شوند بلکه مورد هجوم و غارت افراد سودجو قرار می‌گیرند. یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی مطالبات زیادی دارد که این مطالبات بدون مدیریت شهری واحد جایگاهی جدی نمی‌یابد و برای ارتقای فرهنگ شهری به تنهایی توانایی ندارد. انسجام و همبستگی، تعامل و پیاده‌کردن نظام شهری در شهر نیازمند مدیریت واحدی است و این تنها در صورتی انجام می‌پذیرد که فرهنگ مدنی در شهر ایجاد شود. فرهنگ مدنی فرهنگی است که در آن دو گونه اعتماد وجود دارد؛ یکی اعتماد شهروندان به یکدیگر و دیگری اعتماد متقابل آنان به مدیران شهری. در صورت وجود اعتماد دوم است که توان مدیران در پیاده کردن اهداف‌شان افزایش می‌یابد و از بسیاری از هزینه‌ها به

سوالات فرعی

ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران کدامند؟
 اهمیت ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران از نظر نخبگان تا چه میزان است؟
 مدل کمی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران کدام است؟

روش تحقیق

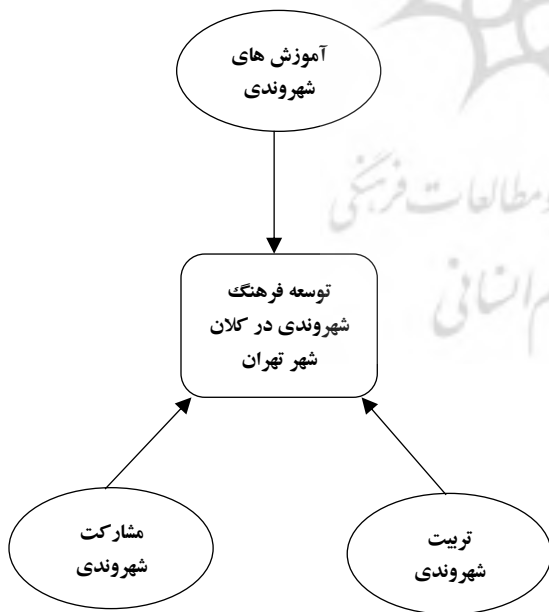
پژوهش حاضر دارای دو مرحله است

روش پژوهش در مرحله اول تحقیق کیفی است و از نوع تحلیل محتوا با نظام مقوله ای قیاسی است. مای رینگ ۵ (۲۰۰۰) معتقد است در تحلیل کیفی محتوا به شیوه اعمال قیاسی طبقه بندی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع به تحقیق، به مطالعه متون تعیین شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره وجود یا وجود مصادیق آن تعریف در متن‌های مورد نظر می‌پردازد (فردانش، ۱۳۸۷). در این پژوهش ابتدا متون مرتبط باهدف اصلی پژوهش انتخاب شده اند. در مرحله اول، متون مورد مطالعه قرار گرفته و پاراگراف‌های مرتبط با سوالات تحقیق انتخاب گردیده در مرحله دوم کد مفاهیم مرتبط با موضوع هر پاراگراف استخراج شده و در مرحله سوم کد مفاهیم استخراج شده در دسته‌های هم مفهوم قرار گرفته شده و در مرحله چهارم برای دسته‌های هم مفهوم، نام و عنوان مناسب که بیانگر تم اصلی پژوهش است تبیین شده است. بعد از تعیین مولفه و شاخص‌های اصلی تحقیق خود در بخش اول به روش تحلیل محتوا، پرسشنامه ای براساس مقیاس ۵ بخشی لیکرت (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیادو۵=خیلی زیاد) طراحی شده و با توزیع آزمایشی پرسشنامه و دریافت نظرات اساتید آگاه در

زمینه جامعه شناسی و مدیریت، مولفه‌ها مورد جرح و تعدیل قرار گرفت و بعد از اصلاحات مورد نیاز و نهایی شدن، پرسشنامه در میان اعضای نمونه آماری توزیع شده است. در این تحقیق، از روش‌های مطالعات کتابخانه ای و میدانی و ابزارهایی همچون مصاحبه و پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه این تحقیق در مرحله اول در اختیار صاحب نظران و متخصصان مربوط به موضوع مورد ارزیابی قرار گرفته شده است. و نهایتاً با جرح و تعدیل‌های انجام شده و تأیید روایی آن، پرسشنامه تنظیم شده است.

مدل تحقیق

متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از:
 متغیر مستقل: آموزش‌های شهروندی، تربیت شهروندی، مشارکت شهروندی
 متغیر وابسته: توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران



نمودار ۱: مدل تحلیلی اولیه تحقیق - محقق ساخته
 برگرفته از ادبیات تحقیق

آمار استنباطی

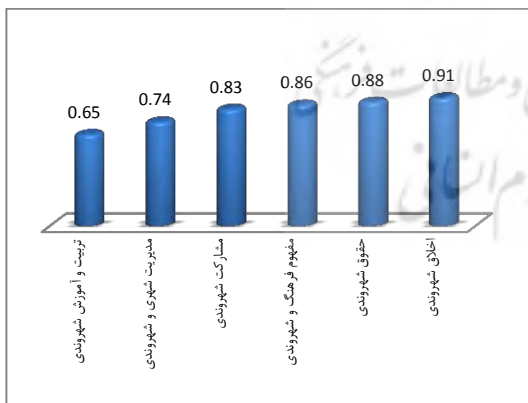
سوال اول: ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران کدامند؟

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش کیفی مدل نهایی کیفی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران در شش بعد مفهوم فرهنگ و شهروندی، مدیریت شهری و شهرداری، تربیت و آموزش شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی ارائه شد. بعد مفهوم فرهنگ و شهروندی در ۳ مقوله: فرهنگ (ویژگی‌های فرهنگ، وظایف فرهنگ، عناصر اصلی فرهنگ و لایه‌های فرهنگ)، شهروندی (تعریف شهروندی، آشنایی با زمینه شهروندی، ویژگی شهروندی، و کارکرد اصلی شهروندی)، و فرهنگ شهروندی (فرهنگ شهروندی، ویژگی فرهنگ شهروندی و عناصر اصلی فرهنگ شهروندی) ظهور کردند. بعد مدیریت شهری و شهرداری، در ۴ مقوله: فرهنگ شهری (مفهوم شهر، فرهنگ شهری)، وظایف دستگاه‌های متولی (تعیین حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی و وظایف دستگاه‌های متولی با مسائل فرهنگی و اجتماعی)، منابع فرهنگی (مراکز و فضای فرهنگی و مدیریت کارآمد و دقیق بر منابع فرهنگی)، و وظایف مدیریت شهری و شهرداری ظهور کردند. بعد تربیت و آموزش شهروندی در ۲ مقوله: تربیت (تربیت شهروندی در ابعاد مختلف، علل توجه به تربیت شهروندی) و آموزش (مفهوم آموزش شهروندی، ویژگی آموزش شهروندی، کارکرد آموزش شهروندی، تعیین اهداف آموزش شهروندی، برنامه‌های آموزشی مهارت شهروندی (آموزش مستقیم و آموزش غیر مستقیم) و آموزش فرهنگی) ظهور کردند. بعد اخلاق شهروندی در ۳ مقوله: مفهوم اخلاق شهروندی، رفتار شهروندی و عناصر اخلاق شهروندی ظهور کردند. بعد حقوق شهروندی در ۳ مقوله: مفهوم حقوق شهروندی، ویژگی حقوق شهروندی و ابعاد حقوق شهروندی

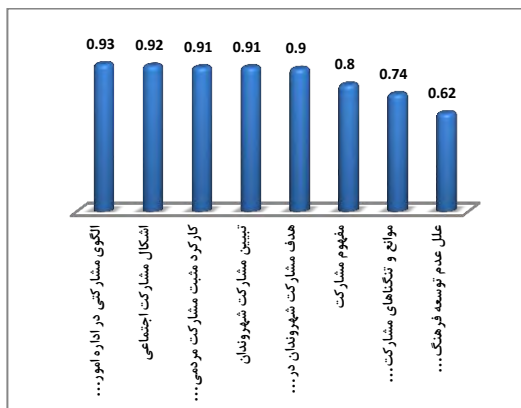
ظهور کردند. بعد مشارکت شهروندی نیز در ۸ مقوله: مفهوم مشارکت، هدف مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، اشکال مشارکت اجتماعی، کارکرد مثبت مشارکت مردمی در امور شهری، الگوی مشارکتی در اداره امور شهری، تبیین مشارکت شهروندان، موانع و تنگنای مشارکتی شهروندی، و علل عدم توسعه فرهنگ شهروندی ظهور کردند.

سوال دوم: اهمیت مفهوم، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران از دیدگاه خبرگان تا چه میزان می‌باشد؟

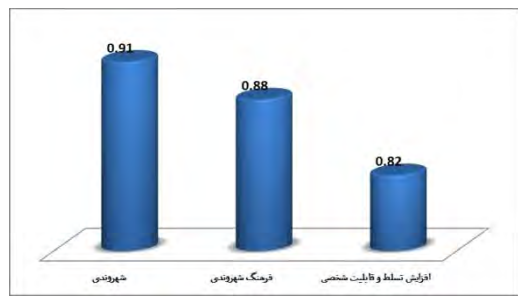
به منظور پاسخ گویی به سوال دوم پژوهش، ابتدا از نرمال بودن داده‌ها و سطح معناداری اطمینان حاصل می‌شود. برای این منظور از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. سپس بخش‌های تأثیرگذار در توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران و شاخص‌های ۲۳ گانه توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران بدست آمده از بخش اول، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته که تشریح سوال پژوهشی فوق همراه با نمودارها و جداول مربوطه در ادامه می‌آید.



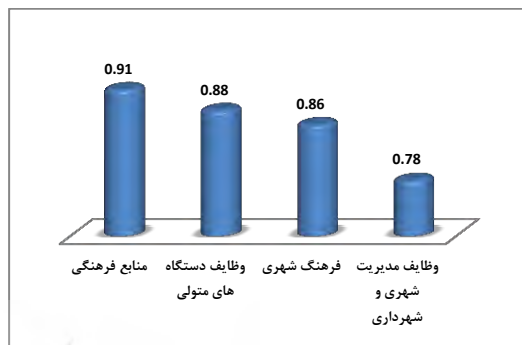
نمودار ۱: نمودار ضریب اهمیت مقوله‌ها



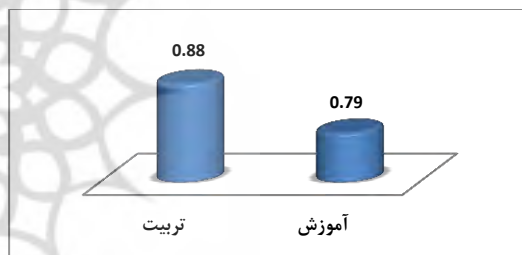
نمودار ۶: نمودار ضریب اهمیت شاخص مشارکت شهروندی



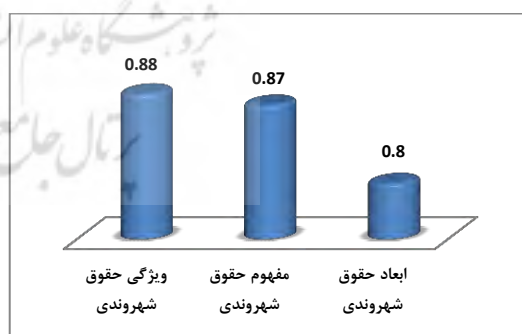
نمودار ۲: نمودار ضریب اهمیت شاخص مفهوم فرهنگ و شهروندی



نمودار ۳: نمودار ضریب اهمیت شاخص مدیریت شهری و شهرداری



نمودار ۴: نمودار ضریب اهمیت شاخص تربیت و آموزش شهروندی

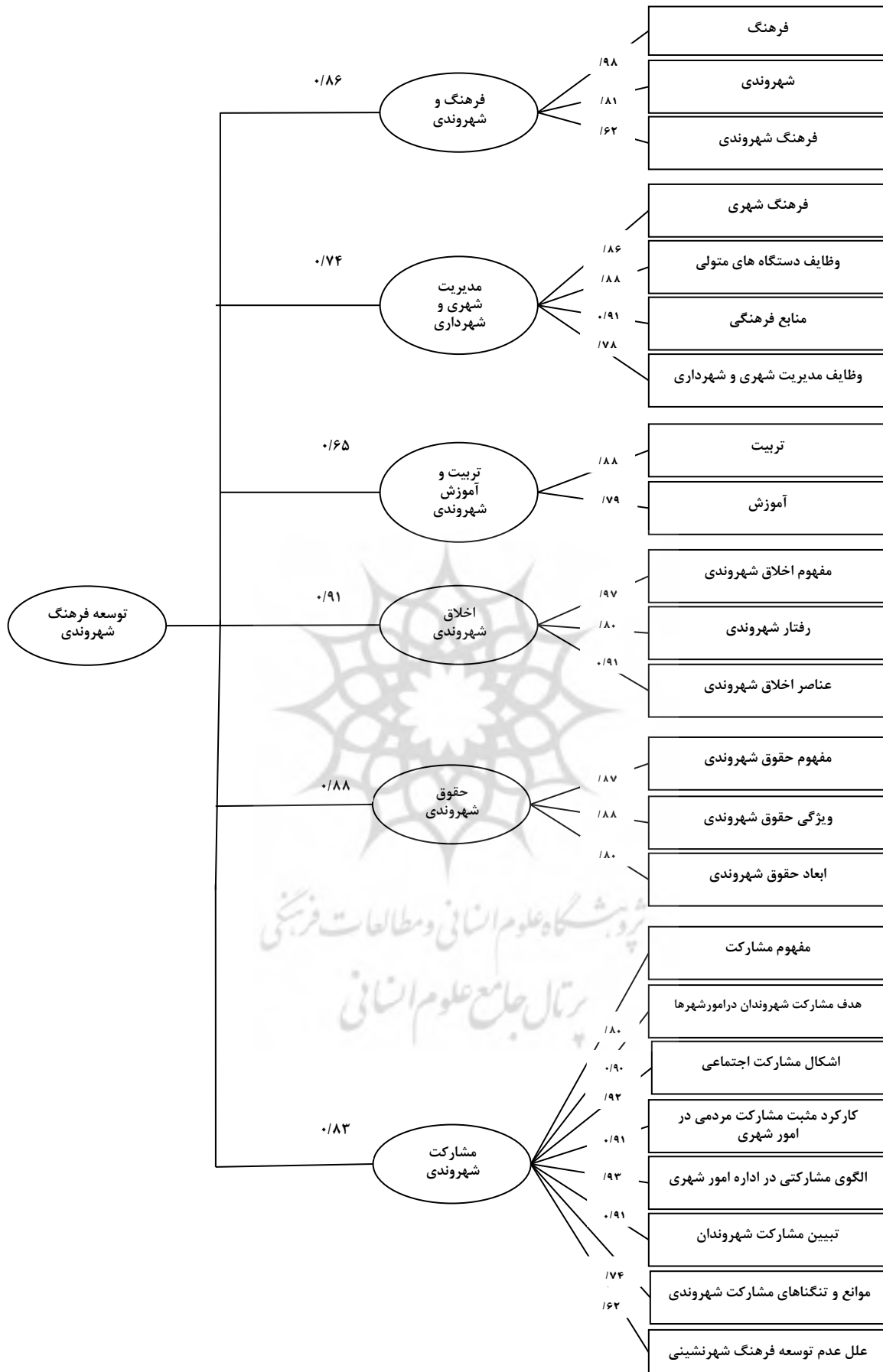


نمودار ۵: نمودار ضریب اهمیت شاخص حقوق شهروندی

سوال سوم: مدل کمی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران کدام است؟
در شکل شماره ۱، مدل مدل کمی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران ارائه شده است.

نتیجه گیری

فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئول بودن عناصر مختلف جامعه می باشد و برای تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم، نقش شهروندان و انجام تعهدات شهروندی در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار حایز اهمیت است زیرا شهروندان عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می شوند و در عرصه های مختلف جامعه حضور دارند. فرهنگ شهروندی به عنوان مؤلفه ی کلیدی توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است از سویی تحقق مفهوم و شکل گیری ایده شهروندی، نیازمند وجود بستری مناسب و زمینه ساز می باشد که از آن به عنوان جامعه مدنی یاد می شود. کیفیت مشارکت شهروندان در امور جامعه، از شاخص های اساسی توسعه یافتگی و از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی در هر جامعه مدنی محسوب می شود. عناصر کلیدی فرهنگ شهروندی، همواره از طرف محققان و صاحب نظران، از ادوار باستان تا کنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است.



شکل ۱: مدل مدل کمی توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران

کلان شهر تهران از قابلیت بهبود بالایی برخوردار می‌باشند.

منابع و مأخذ

اذانی، مهری. (۱۳۸۱)، توسعه پایدار شهری مورد (شهر اصفهان)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.

اسماعیلی، احسان. (۱۳۹۲). شهروند فرهنگی؛ فرهنگی شدن شهروندی. روزنامه مردم مشهد. موسسه فرهنگی شهرآرا. چاپ چهاردهم دی ماه.

اسمیت، ف در آمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن‌پویان، (۱۳۸۱) تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بایگانی، بهمن. آذری، سیدحسن. (۱۳۹۲). شهروندی فرهنگی و لزوم دسترسی به گستره رسانه‌ای در شهرهای چندفرهنگی. اولین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند.

بهپهانی، ز و توسلی، ز (۱۳۹۲)، ضرورت آموزش حقوق شهروندی، پژوهش نامه ۱۰۷؛ حقوق شهروندی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

پهلوان، چ (۱۳۸۰)، فرهنگ شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر پیام امروز.

پهلوان، م؛ بابایی‌طلاتپه، م. ب و آقاجانزاده، ر. ا (۱۳۹۲)، بنیان نظری حقوق شهروندی، پژوهش‌نامه ۱۰۷؛ حقوق شهروندی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.

پیران، پرویز، (۱۳۸۰)، فرهنگ شهری، مجله مدیریت شهری.

تاجدوزیان، ح و نوروززاده، ر (۱۳۹۰)، استراتژی وحدت در عین کثرت شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبات فرهنگی دانشگاه‌ها، پژوهش نامه ۸۷ دانشگاه و مسائل فرهنگی (۲)، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

از ضروریات دستیابی به شاخص‌های توسعه، تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی می‌باشد. در این پژوهش به منظور ارایه مدل توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران، با استفاده از تحلیل محتوای استقرایی؛ با شناسایی ۷۸۷ کد مفهوم، کدگذاری و دسته بندی آنها در سه مرحله نهایتاً ۱۷۳ شاخص اصلی؛ در شش بعد و ۲۳ مولفه، تبیین و در ادامه با استفاده از تکنیک دلفی سه مرحله‌ای در بین ۳۲ نفر از خبرگان علمی و اجرایی، این شاخص‌ها مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. نهایتاً مدلی کمی برای توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران در شش بعد مفهوم فرهنگ و شهروندی، مدیریت شهری و شهرداری، تربیت و آموزش شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی ارائه شد.

در مرحله دوم تحقیق، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد و پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری (نظیر فراوانی، درصد و میانگین) و سطح استنباطی (آزمون لوین، آزمون تی تست)، تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از Spss 22 و Lisrel8.54 و Excel صورت گرفت. معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده ابعاد سطوح فرهنگ و شهروندی، مدیریت شهری و شهرداری، تربیت و آموزش شهروندی، اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی نشان داد که تمامی ضرایب بدست آمده، معنادار می‌باشند. یافته‌های حاصل از تحلیل ابعاد بیانگر آن بود که از بین ابعاد اخلاق شهروندی با میانگین (۰/۹۱) و حقوق شهروندی با میانگین (۰/۸۶) کمترین تاثیر را در توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران را داشته و پاسخ دهندگان با وضعیت موجود مولفه‌های دیگر در سوالات مذکور رضایت ندارند و نظرات منفی دارند و همه‌ی مولفه‌ها در امر توسعه فرهنگ شهروندی در

نهاد اجتماعی، جلد پنجم، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: تپسا.
کوثری، مسعود. (۱۳۹۰). رسانه‌های جمعی و شهروندی فرهنگی. همایش رسانه، شهر و شهروندی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

کوثری، مسعود، نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۷۹)، «مشارکت در توسعه» ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبائی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های بنیادی.

کوش، د (۱۳۸۱)، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدا فریدون، تهران: سروش.

مستوفی الممالکی، رضا. (۱۳۸۰)، شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

منافی شرف‌آباد، ک و زمانی، ا (۱۳۹۰) ضرورت آموزش شهروندی و چگونگی مؤلفه‌های اساسی آن متناسب با مقتضیات عصر جهانی شدن، مجموعه مقالات نخستین سمینار تخصصی رسانه و آموزش شهروندی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، ۹ و ۱۰ خردادماه ۹۰.

منافی شرف‌آباد، ک و زمانی، ا (۱۳۹۱)، شهروندی در گستره جهانی شدن (گذار از شهروند کلاسیک به شهروند جهانی)، مجموعه مقالات کنفرانس علمی-بین‌المللی آموزش و جهانی شدن، تهران: مرکز مطالعات ملی جهانی شدن.

ولیخانی، م و کریم‌پور، ج (۱۳۹۱)، تدوین الگوی فرهنگ اسلامی سازمانی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۵ و ۶۶، خرداد و تیر.

Fadavi, J. and Sabeti, M. (2011), Methods and Strategies for Attracting Social Participation of Citizens in Moving to the Formation of the Municipal Social Institution, Proceedings of the Scientific Conference of the Municipality as the Social Organization, Volume I, Deputy of Social and Cultural Affairs of the Municipality of Tehran, Tehran: Tisa Publishing.

تقوایی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.

جعفری میدانسر، حسین. (۱۳۹۱). بررسی افزایش مشارکت مردم از طریق رسانه در مدیریت شهری. گیلان: انتشارات شمال نیوز.

شربتیان، م (۱۳۹۴). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، فصلنامه فرهنگی-پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، شماره ۸ و ۹، سال دوم و سوم، دوره تابستان و پاییز.

شیانی، ملیحه و محمدی، محمد علی (۱۳۹۴) مطالعه فرهنگ شهروندی در مدیریت شهری تهران، نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۲۲۷-۲۵۰

شیرکوند، شهرام. (۱۳۹۰). نقش روابط اجتماعی در فرهنگ شهروندی. روزنامه همشهری. ششم اردیبهشت.

صادقی، ع. ر (۱۳۹۱) چندفرهنگی و نسبت آن با آموزش، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۴، دی، دوره‌ی بیست و هشتم، صص ۳۷-۳۴.

فاضلی، نعمت، ، (۱۳۸۶)، شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی، سایت (www.farhangshenasi.com/articel)

فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۶)، فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و شش

فالكس، ك (۱۳۸۱). «شهروندی»، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: امیرکبیر.

فتحی، س و علاف بهبهانی، ز (۱۳۹۰) تحقق شهرداری به عنوان نهاد اجتماعی با تأکید بر آموزش شهروندی، مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله

- Fathi , K. (2001). Required Characteristics for Good Citizenship. Australian Curriculum Studies Association. Canberra, Australia.
- Faulks, K. (2000). Citizenship. London :Routledge.
- Faulks, K. (2000). Citizenship. London: Routledge.
- Luque-aa rri'nzz and ll. , (2007), modeling a ttt y's imag Th ase of Granada. Cities, Vol. 24, No. 5, p. 335-352.
- Mintz, J. (2003), "G-R-E-A-T Principles Toward A More Effective Organization", Vice President and General Counsel, John D. and Catherine T. acArthur Foundation.
- Smith, M. , (2012). The Levels of Global Cithizenship," Undergraduate Journal of Global Citizenship: Vol. 1: Iss. 2, Article 1. Available at: [http:// digital commons. Fairfield. Edu/jogc/vol1/iss2/1](http://digitalcommons.Fairfield.Edu/jogc/vol1/iss2/1)
- Taylor, E. B. (2010). Primitive Culture, the 1873 edition was divided into two volumes, the origins of Culture and Religion in Primitive Culture, Reissued by Cambridge University Press.
- Vaughan, B. (2000), Punishment and Conditional Citizenship, Sage Publication. London, Thousand Oaks and New Delhi

یادداشت‌ها

- ¹ Sapir
- ² shaien
- ³ persons
- ⁴ Grossberg
- ⁵ Myring

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی